اساتید و کارشناسان روابط بین‌الملل درباره فردای پس از انتخابات می‌گویند

دولت چهاردهم چگونه با آمریکا مذاکره کند؟

فرهیختگان

آخرین میزگرد سیاست خارجی برنامه تلویزیونی تقاطع، با موضوع مذاکره با آمریکا برگزار شد. کارشناسان این برنامه که همگی از اساتید روابط بین‌الملل دانشگاه هستند، به این سوال پاسخ دادند که «رئیس جمهور منتخب، فردای روز انتخاب با آمریکا مذاکره بکند یا نکند؟ اگر بکند، چطور فکر می‌کند این مذاکره ممکن است و با چه استراتژی‌ای این مذاکره می‌تواند به نفع ایران پیش برود یا امکان برد ایران بالا برود؟ اگر مذاکره نکند، کشور در محاصره اقتصادی به سرکردگی آمریکاست. چه استراتژی‌ای را پیشنهاد می‌کند که از این وضعیت بیرون بیاییم؟» متن پیش رو دیدگاه‌های محمود شوری معاون موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، ساسان کریمی استاد دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، روح‌الامین سعیدی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق(ع)، علیرضا کوهکن استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی و ابوالفضل بازرگان پژوهشگر امنیت بین‌الملل در این باره است.

* * *

علیرضا کوهکن روابط بین‌الملل و سیاست خارجی یک علم و تخصص است. نیاز به دانش دارد. مهم‌ترین نکته‌ای که روی آن تاکید می‌کنم، دانش است. دانش از نظر من لزوما مدرک دانشگاهی نیست. منظورم از دانش اندوخته فرد برای حل مشکل است. این دانش خودش را لزوما در اسم‌ها نشان نمی‌دهد. معتقدم بخشی از طبقه نخبگان ما متخصص سخنرانی‌اند و چون سخنرانی جذاب است و به کار بردن ادبیات زیبا جذاب است از آن استفاده می‌کنند. علم خودش را در راه‌حل و جواب نشان می‌دهد. باید و نباید سیاست خارجی را همه درک می‌کنند مثل اینکه باید با همسایگان‌مان روابط خوبی داشته باشیم. مهم این است که چطور؟ من چطور این کار را بکنم که منافع خودم را حفظ کنم. فکر می‌کنم این دانش و علم حتی ربطی به مباحث جناحی و سیاسی هم ندارد. این تجربه شخصی من است. اتفاقا وضعیت به سبب نیاز یا عقلانیت شما اگر دانش به معنای حل مساله را داشته باشید، همه به شما نیاز دارند. تخصص در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی یعنی همین. وقتی با مشکل مواجه شدیم، عده‌ای گفتند ما می‌رویم هسته‌ای را می‌دهیم و تحریم‌ها را برمی‌داریم. چند سال مذاکره کردند و توافقی اتفاق افتاد. این توافق یک دوره اجرا شد و بخشی از آن موفق و بخش زیادی ناموفق بود که سوالات جدی را درپی داشت، بعد که توافق کلا به شکست کشیده شد این سوال در عرصه اجتماعی ایجاد شد که «چه خبر است؟ شما به ما قول دادید می‌روید و مشکل را حل می‌کنید.»

ما به این راه‌حل فکر کردیم. راجع به اینکه برای تحریم چگونه باید فکر کرد، ایده‌هایی داریم- که اگر در ادامه بحث فرصت به من رسید، استناد می‌کنم- اما همچنان همان نگاه اول را دارم که ما در حیطه بحث دانش باید صحبت کنیم و این دانش هم به برنامه‌ای برای کسب منفعت می‌رسد نه چیز دیگر.

ساسان کریمی برای اینکه به طور انضمامی و واقعی و فارغ از کلیات بتوانیم بفهمیم که چه نسخه‌ای بپیچیم، به جای اینکه به برهه‌های زمانی منتسب به دولت‌ها بخواهیم استناد کنیم به دوره‌های زمانی با توافق و بی‌توافق باید استناد کنیم. اصلا فارغ از اینکه کدام دولت بر سر کار بود باید ببینیم دوره‌هایی که ما توافق داشتیم و تنش کمتر بوده یا دوره‌هایی که توافق نداشتیم به هر دلیلی، تنش بیشتر بوده یا نه. کدامش برای ما دستاوردهای ملموس‌تر اقتصادی داشته است. مردم یادشان می‌آید اگر در حافظه اقتصادی خانواده خودشان مراجعه کنند به گذشته یادشان می‌آید که مشکلات اقتصادی ما از چه زمانی خیلی دشوار شد. تقریبا زندگی همه بالا و پایین داشت. همین طور بعد از جنگ که شرایط شروع به عادی شدن کرد تا سال ۱۳۹۰ که سه نقطه دید حاکم بود؛ در دوره آقای هاشمی یک جور؛ دوره آقای خاتمی یک جور و دوره آقای احمدی‌نژاد هم جور دیگر. تا سال ۹۰ تقریبا وضع اقتصاد و حتی موقعیت مردم و کشور در محیط بین‌المللی تقریبا مدل باثباتی داشت. حالا اینکه چرا مساله هسته‌ای به وجود آمد و اسرائیل بعد از اینکه خواست با اعراب مشکلش را تخفیف بدهد، دنبال دشمن‌سازی برجسته از ایران رفت، بماند، ولی واقعیت این است از موقعی که تحریم‌های سنگین (تحریم‌های سنگین یکجانبه آمریکا؛ تحریم‌های یکجانبه اتحادیه اروپا و به خصوص تحریم‌های سازمان ملل متحد) بر کشور تحمیل شد، اقتصاد ما اقتصاد ناامنی شد. به این می‌ماند که یک شرکت یا کشور یا خانواده‌ای را به یک کتری یا قابلمه خیلی داغ تبدیل کنند. قابلمه یا کتری وقتی آبش تمام می‌شود و دمایش خیلی بالا می‌رود، دیگر نمی‌صرفد شما بخواهید ریسک کنید با دستمال آن را بردارید. فقط می‌گویند زیرش را خاموش کن و یکی، دو ساعت صبر کن تا سرد شود، زیرا دمایش خیلی بالا رفته است. چرا؟ چون اگر بخواهید دستمال را هم به آن بزنید، ممکن است دستمال و دست تا با هم بچسبند و همه چیز را خراب کنند. بنابراین خطر سطح بالایی را از این کشور یا موجودیت مثل آن کتری داغ در دنیا نشان می‌دادند و ما افتادیم در چنین ماجرایی، یعنی این طور شد که یواش یواش شرکت‌ها گفتند فارغ از اینکه ایران یا شرکت شما در ایران یا پالایشگاه در ایران جزء تحریم‌ها باشد یا نه، باید بررسی کنیم ببینیم آمریکا ما را جریمه می‌کند یا نه؟ بانک ما را جریمه می‌کند یا نه؟ [آخر سر هم گفتند] اصلا نمی‌ارزد. ما می‌رویم با قطر کار می‌کنیم که اصلا این مشکل را نداشته باشیم. مگر چقدر حجم بیزینس من با شماست که بخواهم ریسک کنم؛ خطر کنم و بعد ناچار شوم وکیل بگیرم و جریمه هم شوم؟

این هدف مقابل ما یعنی اسرائیل و... بود که ما را تبدیل به کتری داغ کنند. بدترین واکنش ما می‌توانست این باشد که در زمین آقای ریچارد نفیو بازی کنیم و بیفتیم در ماجرایی که پاسخ منفعلانه را به نظر آقای نفیو بدهیم. ما می‌توانستیم بازی نفیو را از یک جا به بعد به هم بزنیم. در انتهای دولت احمدی‌نژاد در سال‌های ۹۱ و ۹۲ با اینکه وی رشد اقتصادی مثبت ۷ درصد را از خاتمی تحویل گرفته بود و درآمد نفتی خیلی خوبی هم داشت و ۲٫۵ میلیون بشکه نفت ۱۵۰ دلاری می‌فروخت ولی از یک جا دیدیم نرخ ارز چهاربرابر شد و مشکلات اقتصادی و تامین مالی و... برای دولت به وجود آمد. از سال ۹۰ به بعد اقتصاد کشور به جایی رفت که وقتی دولت را تحویل روحانی می‌داد، رشد اقتصادی از مثبت ۷ درصد به منفی ۶٫۸ درصد رسیده بود. تورم هم به نزدیک ۴۰ درصد رسیده بود. بنابراین شوکی به کشور وارد شد. می‌خواهیم ببینیم که نسخه درستش چیست؟ اگر بخواهیم تاریخی نگاه کنیم، مساله این است که با تحریم یا توافق؟ وقتی توافق اتفاق می‌افتد، یعنی برجام از توافق موقت در سال ۹۲ به بعد یواش یواش شیب تورم به شدت پایین می‌آید و از نزدیک به ۴۰ و خرده‌ای در سال ۹۵ می‌رسد به ۸ درصد. رشد اقتصادی که منفی ۶٫۸ درصد بود در سال ۹۵ به عدد مثبت ۱۲٫۵ درصد می‌رسد، حتی بدون نفت می‌شود ۸ درصد. ما در دورانی که تحریم شدیم، اتفاق کوچکی نیفتاد. به جز تحریم‌های یکجانبه آمریکا و اتحادیه اروپا که هرکدام تاثیرات مخصوص خودشان را دارند. مساله تحریم اصلی ما از شورای امنیت و گرفتن ۶ قطعنامه بوده، یعنی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ (سال ۸۶ تا ۸۹) ما ۶ قطعنامه فصل هفتم گرفتیم. فصل هفتم یعنی چه؟ یعنی ما از نظر شورای امنیت سازمان ملل متحد و نه آمریکا و نه اسرائیل و نه اروپا، بلکه از نظر همه اعضای شورای امنیت به شمول چین و روسیه- که برخلاف تصور ما رای مثبت دادند- ما تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی شناخته شدیم و این قطعنامه‌ها از بند ۳۹ شروع شد تا به بند ۴۱ و نیم منجر شد. یعنی چه؟ اوایلش ابزار نگرانی و الزام ایران به اینکه اعتمادسازی کند و در ۱۹۲۹ رسید به جایی که همه کشورها را ملزم می‌کرد اگر در مورد کشتی‌های ایرانی یا محموله‌های ایرانی هرگونه شکی دارند، آنها را بازرسی کنند و هر اقدامی را در راستای اینکه بتوانند توقف بدهند و محموله‌های ایران را انجام دهند. این یعنی تجارت ایران با هزینه بالایی برای بیمه، کشتیرانی و... مواجه شد. حالا توافقی شد و چرا به هم خورد؟ مگر می‌شود توافق را به شکلی نوشت که تضمینی وجود داشته باشد؟ این سوال اصلی است. اگر بگوییم که رئیس جمهور برود توافق کند، با این سوال مواجهیم که چطور توافق کند که آن بلا سرش نیاید؟ آیا می‌توان در محیط بین‌المللی طوری توافق کرد که تضمینی داشته باشد؟ در ابتدای دولت سیزدهم گفتند تضمین می‌گیریم ولی دیدیم که چنین چیزی وجود ندارد. البته می‌دانستیم که وجود ندارد ولی به تجربه هم روشن شد.

ابوالفضل بازرگان ترجیح می‌دهم مبحث را فراجناحی و فرادولتی کنم. موضوع تحریم‌ها و هسته‌ای مساله‌ای ملی است و همه با آن درگیرند و هر دولتی سر کار بیاید با آن درگیر است. تک‌تک آدم‌ها با آن درگیرند و باید آن را آسیب‌شناسی کنیم. فهم ما نسبت به مساله تحریم‌ها و پرونده هسته‌ای چگونه باید باشد؟ باید بدانیم تحریم‌ها که روی کشورها می‌آید چقدر تجربه موفقیت‌آمیزی در دنیا وجود دارد که این تحریم‌ها به معنای واقعی رفع شود و موفقیت‌آمیز باشد؟ این سوالی است که باید بررسی کنیم. آیا تحریم‌های شوروی هنوز که هنوز است با اینکه نظامش فروپاشیده و بعد به آمریکا نزدیک شدند، برداشته شد؟ آیا تحریم‌های صدام بعد از اینکه آمریکا به آنها حمله کرد- و سال‌ها در آنجا حضور داشت- برداشته شد؟ تحریم‌های کوبا که اوباما رفت با آن عادی‌سازی کرد، برداشته شد؟ پس این باید پیش‌ذهنیتی در زمینه جنس تحریم‌هایی به وجود آورد که روی یک کشور می‌گذارند. نکته دوم اینکه آیا تحریم‌های ایران صرفا مربوط موضوع هسته‌ای است؟ این هم جوابش منفی است. ما با بهانه‌های مختلف با تحریم روبه‌رو هستیم؛ از موشکی بگیر تا حقوق بشر، پهپاد و منطقه‌ای. انواع و اقسام تحریم‌ها که اساتید حاضر بهتر می‌دانند؛ در کاتسا اینقدر شبکه به هم وصل شده که هیچ وقت نمی‌توانید بگویید من این قسمت از تحریم‌های هسته‌ای را برمی‌دارم و این قسمت هم حل می‌شود. همان تحریم یک جای دیگر توسط موشکی به شما می‌خورد. این هم مهم است. نکته سوم اینکه از توافقی که موسوم به برجام است چه فهمی داریم؟ فهم ایالات متحده آمریکا از این توافق چه بوده است؟ اهداف آمریکا چه بوده است؟ متاسفانه بیش از اینکه بیاییم بررسی کنیم اهداف آمریکا از این توافق چه بوده، اهداف خودمان را بررسی می‌کنیم. خیلی هم خوب است. بله، ما می‌خواستیم رفع تحریم شویم و از فصل ۷ بیرون بیاییم. جدیدا عنوان می‌شود که می‌خواستیم از امنیتی‌نمایی خارج شویم اما در توافق موسوم به برجام آمریکایی‌ها و در متن برجام در ابتدا نوشته شده که ایران الی‌الابد حق دستیابی به سلاح هسته‌ای را ندارد.

اوباما همان موقع گفت این مرحله اول است و ما بعد از آن سراغ برنامه موشکی و منطقه‌ای خواهیم رفت و بعد پهپادها. برجام یعنی یک رژیم کنترل تسلیحاتی، یعنی برنامه تحریم‌ها و برنامه توافق، رژیم کنترل تسلیحات و همان طور که عراق و سوریه را با جنگ خواستند کنترل تسلیحات کنند، درباره ایران به این جمع‌بندی رسیدند که با توافق به کنترل تسلیحاتی‌اش برسند. اگر این فهم را داشته باشیم پس باید با نگاه کنترل تسلیحاتی سراغ مذاکرات برویم. متاسفانه هیچ متخصص کنترل تسلیحاتی، در آن دوره مذاکرات وجود نداشت و ما با یک نگاه مبنای حقوق بین‌الملل مذاکره کردیم که از قطعنامه‌های سازمان ملل خارج شویم و قطعنامه جدیدی صادر شود و حقوق بین‌الملل پشت ما قرار بگیرد. این منطق برجام بود که با این ابزار بتوانیم منافع رفع تحریم‌ها را داشته باشیم و سایه جنگ را از کشور دور کنیم. سایه جنگ از کشور با قطعنامه دور نمی‌شود. نه در جنگ عراق قطعنامه‌ای وجود داشت، نه اسرائیل نیاز به قطعنامه‌ای دارد که بخواهد به جایی حمله کند، منطق نظام بین‌الملل این حرف‌ها را ندارد. منطق قدرت است؛ منطق زور است و بازدارندگی است.

پس ما روی حقوق بین‌الملل حساب کردیم؛ چه خوب چه بد. حساب کردیم روی اینکه نمی‌شود؛ قطعنامه داریم، حقوق بین‌الملل پشتش است و کسی اجازه ندارد خارج شود و کل دنیا پشتش می‌آید. روی سازمان ملل حساب کردیم. روی وجهه جهانی و اینکه دنیا نظرش عوض شده حساب کردیم. دیدیم این‌گونه نیست و اتفاقی افتاد که قبل از برجام کاملا پیش‌بینی می‌شد. خدا رحمت کند استاد مرحوم ابومحمد عسگرخانی را دقیقا تمام هشدارهایی که قبل از برجام می‌داد، عینا همان شد؛ او نه آدم حزبی بود و نه جناحی، می‌گفت این کنترل تسلیحات است. ما دیدیم که حقوق بین‌الملل به درد تامین منافع ملی‌مان نمی‌خورد. در دولت بعد آمدیم تصمیم گرفتیم که باید ضمانت اجرا داشته باشیم و باید منافع اقتصادی ببریم. نگاه تغییر کرد، یعنی باید منافع اقتصادی ببریم و ضمانت اجرا را اقتصادی کنیم و باید برای ما تامین اقتصادی داشته باشد تا بتوانیم با شما توافق کنیم. دیگر ما روی حقوق بین‌الملل حساب نمی‌کنیم. به باور بنده با اینکه تلاش‌های مثبتی صورت گرفت، این نگاه هم اشتباه بود. نگاه چنین شد که برای مقابله با فشار آمریکا باید مقاومت اقتصادی‌مان را بالا ببریم. نگاه اول می‌گفت باید مقاومت حقوقی‌مان را بالا ببریم و وجهه‌مان را در دنیا خوب کنیم و دومی می‌گفت اقتصادمان را خارج از تحریم قوی کنیم که آنها بگویند تحریم‌ها اثر ندارد، پس بیا مذاکره کنیم. این هم منطق دولت سیزدهم بود که انصافا برای خنثی‌سازی تحریم‌ها زحمت کشیده شد. بنده به عنوان یک کارشناس ساده امنیت بین‌الملل می‌گویم این نگاه هم اشتباه بود، چون آنها باز هم به دنبال کنترل تسلیحات است و به ما نگاه امنیتی دارند. چه ما از امنیتی‌سازی آنان خارج شویم و چه نشویم، به دنبال تحمیل توافق امنیتی با ما هستند و خواهند بود. ما دیدیم وقتی ترامپ از برجام خارج شد، مشکلات امنیتی ما هیچ وقت حل نشد و افزوده هم شد. ژنرال ما را ترور کردند و انواع و اقسام ائتلاف‌ها و تهدیدهای علنی صورت گرفت و مساله ما در منطقه مساله‌ای ژئوپلیتیک و با حضور ایالات متحده آمریکا منطقه‌ای کاملا امنیتی است. خلاصه کنم نه نگاه حقوق بین‌الملل و نه نگاه تقویت اقتصادی به مذاکرات کمکی نمی‌کند. این را هم بگویم که باور دارم روزی که ترامپ از برجام خارج شد، برجام مرد. چرا؟ چون قواعد بازی‌اش به هم خورد. ما در نظریه بازی‌ها وقتی می‌رسیم به قواعد بازی وقتی بازیگر اصلی خارج می‌شود و شرایط متفاوت می‌شود، دیگر نمی‌توانید بر مبنای سال ۲۰۱۴ بیایید و در سال ۲۰۲۴ بگویید می‌خواهیم آن را احیا کنم. امکان ندارد و به خاطر دلایلی که همه می‌دانیم، مجبوریم مکانیسم ماشه و شرایطی را که ما تحمیل شدند جسته و گریخته و لقان لقان ادامه دهیم اما احیای برجام امکان ندارد. توافق با آمریکا امکان دارد. باید از زمین برجام خارج شویم و با تفکر کنترل تسلیحات و توافق امنیتی به زبان ساده‌تر آتش‌بس با ایالات متحده پیش برویم و مواضع دیگری را ادامه دهیم.

محمود شوری ای کاش صورت مساله به همان سادگی بود که طرح شد؛ متغیرها همه در مشت ما بود و می‌توانستیم با آنها بازی کنیم و به حل مساله برسیم ولی در علوم انسانی به‌ویژه در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل متغیرها هیچ کدام به سادگی به چنگ سیاستمدار و سیاست‌پژوه نمی‌آیند و متغیرهای پیش‌بینی‌نشده بسیاری وجود دارند که هر زمان پیش‌بینی صورت می‌گیرد یا برنامه‌ای برای حل مساله تنظیم می‌شود، این متغیرهای پیش‌بینی‌نشده عملا کار را مشکل‌تر می‌کنند. در این شرایط چه باید کرد؟ ما در جریان چالش مداومی قرار داریم و هیچ وقت این چالش به پایان نمی‌رسد و هیچ دولتی در نظام بین‌الملل نقطه‌ای را تعیین نکرده که بگوید اینجا همان جایی است که می‌خواهم برسم و دیگر به پایان رسیده‌ام. نظریه‌های رئالیستی می‌گویند دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت خودشان هستند و اساسا مفهوم قدرت دائما درحال تغییر است، بنابراین همیشه با موضوعات متعددی مواجهیم و عملا در اینکه چه کاری درست است ما را ناگزیر می‌کند در لحظه پیش برویم و امیدوار باشیم متغیرها در آینده همان طور باشند که ما پیش‌بینی می‌کردیم. کما اینکه آنهایی که رفتند و برجام را امضا کردند، برآوردشان این بود که آمریکا از برجام خارج نمی‌شود و کسی فکر نمی‌کرد ترامپی پیدا و از برجام خارج شود. خیلی از دوستان ممکن است بگویند ما اساسا به غرب بی‌اعتمادیم و می‌دانستیم آنها قابل اعتماد نیستند. این منطق دوستانی است که به نوعی حداقل مذاکرات دولت‌های یازدهم و دوازدهم را زیر سوال می‌برند و می‌گویند غرب قابل اعتماد نیست و هر گامی که شما عقب‌نشینی کنید، آنها یک گام جلو می‌آیند و تا لحظه‌ای که شما را وادار به تسلیم نکنند، عقب‌نشینی نمی‌کنند.

در این شرایط چه باید کرد؟ در زمانی که لحظه به لحظه شرایط ممکن است تغییر کند و از طرفی ما با غربی مواجهیم که به قول برخی دوستان قابل اعتماد نیست و از سویی ما با ساختار تحریمی مواجهیم که این ساختار تحریم آجر به آجر گذاشته شده است؟ این ساختار تحریم از سال ۱۹۴۵ و از زمانی بنا گذاشته شده که منشور سازمان ملل نوشته شد. همان جایی که فصل ۷ را نوشتند و بعد به شیوه‌ها و سازمان‌های مختلف شکل گرفت و آژانس انرژی اتمی تشکیل شد که بازیگران دیگر تحت کنترل باشند، یعنی حالا حداقل قدرت‌های بزرگ آمریکا این ساختار را چیدند که بتوانند کنترل کنند. شما با چنین وضعیتی مواجهید، بنابراین ما نمی‌توانیم به سادگی از شرایطی که فکر کنیم تحریم‌ها دیگر در آن برداشته شده است صحبت کنیم. اما آیا باید مذاکره کنیم یا نه؟ من فکر نمی‌کنم کسی مذاکره را نفی کند. مذاکره لازم است. کما اینکه چگونه مذاکره کنیم؟ با این مذاکره چه چیزهایی را بدهیم و چه چیزهایی را ندهیم شاید مهم‌ترین مساله است.

نکته پایانی را هم بگویم. به نظرم اینکه ما از چه منظری به برجام نگاه کنیم هم موضوع مهمی است. حداقل به عنوان یک تجربه بررسی کردنش به نظرم مهم است، چون بعضی از دوستان اساسا برجام را یک تجربه شکست خورده تلقی می‌کنند و می‌گویند باید مرده تلقی‌اش کنیم و بگذاریمش کنار. این نوع نگاه به مساله هیچ کمکی به ما نمی‌کند؛ چرا؟ یک مثال می‌زنم. وقتی که این ماهواره‌ها و موشک‌های ماهواره‌ای را در آسمان می‌خواهند بفرستند این تجربه را همه کشورهایی که این مسیر را طی کردند، دارند. اینکه اولین موشک در هوا منفجر می‌شود؛ دومی به مسیر نمی‌رسد و سومی سیگنال ارسال نمی‌کند. درنهایت چهارمی و پنجمی آن چیزی که می‌خواهند می‌شود. بنابراین اگر شما به مساله به این شکل نگاه کنید -به عنوان یک تجربه و یک گام رو به جلو- یک گام برداشته‌اید و تجربه پشت سر گذاشته‌اید. این تجربه خیلی ارزشمند است. تجربه خروج آمریکا از برجام را هم دارید. این هم تجربه ارزشمندی است. اینها را باید دستمایه کار قرار داد نه اینکه دور انداخت. وقتی موشک اول منفجر می‌شود، چه کسی می‌آید تمامی دانشمندانی که آن موشک را ساخته‌اند، محاکمه کند و بگوید شما خیانت کردید و این موشک را به این شکل ساختید. او وظیفه‌اش هست و کارش را کرده و تجربه‌ای را به یک مرحله رسانده که گام بعدی را نفر بعدی باید دنبال کند. اینکه این نوع نگاه را به مساله داشته باشیم که تجربه برجام یک تجربه شکست خورده است و باید دورش انداخت به نظر من هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. حتما دولت بعد هم باید با نگاه مثبت به این موضوع به عنوان یک تجربه تاریخی و ملی بزرگ نگاه کند. شما در یک مقطع تاریخی با شش قدرت بزرگ جهانی که به راحتی با کسی فالوده نمی‌خورند و تا الان همیشه دستور می‌دادند و دیگران عمل می‌کردند، نشستید مذاکره کردید. یک تجربه تاریخی ارزشمند را پشت سر گذاشتید. این را نباید به راحتی که تجربه شکست خورده‌ای است، دور انداخت. هر ادبیات منفی که تا الان متاسفانه خیلی زیاده بوده، هیچ کمکی به هیچ‌کس نمی‌کند مگر ما نگاه مثبتی به آن داشته باشیم.

روح‌الامین سعیدی اگر وزیر خارجه بودم آیا با آمریکا مذاکره می‌کردم؟ بله، مذاکره می‌کردم، به خاطر اینکه چاره‌ای نیست. واقعیت نظام بین‌الملل و اقتصاد جهانی به ما می‌گوید که اگر می‌خواهیم از وضعیت کنونی خارج شویم باید مساله تحریم‌ها حل شود. زندگی با تحریم همین است. یعنی اداره روزمره کشور. شما یک مقداری نفت می‌فروشی و می‌توانی پول کارمندان دولت و صندوق بازنشستگی را بدهی و گذران امور بکنی. دیگر امکان ایجاد رفاه نیست. امکان سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کلان نیست. مساله تحریم باید حل شود. کسی هم که دو واحد اقتصاد بین‌الملل پاس کرده باشد می‌داند که خوش‌مان بیاید یا نه، از ۱۹۴۵ به بعد رژیم‌های تجارت بین‌المللی، رژیم‌هایی بوده که آمریکا ایجاد کرده است، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی. همچنان هژمونی دلار باقی است. سیستم‌هایی که جایگزین دلار می‌شود همچنان در مرحله جنینی هستند و خیلی زمان می‌برد تا روبل و یوآن چین جایگزین شود. همچنان خود اینها دارند در رژیم‌های لیبرالی کار می‌کنند. چین هم در نظام تجارت آزاد لیبرال کار می‌کند. بنابراین باید با آمریکا مذاکره کرد و تحریم‌ها را حل کرد. اقتصاد مقاومتی تا یک جایی جواب می‌دهد. همین وضعیت کنونی با اقتصاد مقاومتی نمی‌توان رفاه ایجاد کرد و از مشکلات کنونی خارج شد. بنابراین واقع‌بینانه باید تحریم‌ها را برداریم. با تحریم نمی‌شود زندگی عادی داشت و ما در شرایط اضطراری هستیم. من اگر می‌خواستم با آمریکا مذاکره کنم، قطعا دیپلماسی مختلط می‌کردم نه دیپلماسی خالص که سال‌ها تیم آقای روحانی چه زمانی که در دبیر شورای عالی امنیت ملی بود و چه زمانی که رئیس جمهور بودند، فقط مذاکره می‌کردند و به همه ارکان کشور می‌گفتند «آقا شما هیچ کاری نکنید که من دارم مذاکره می‌کنم. سپاه موشک آزمایش نکن من دارم مذاکره می‌کنم. سازمان فضایی ماهواره نفرست، آقای کری ناراحت می‌شود. آقای سلیمانی در منطقه غلاف بکن، من دارم مذاکره می‌کنم.» این که نمی‌شود. شما تا کی داری مذاکره می‌کنی؟ از زمان آقای خاتمی داری مذاکره می‌کنی و همه‌اش هم داشتی امتیاز می‌دادی. طرف مقابل می‌گفت این کار رو بکن من پرونده‌ات را در شورای حکام عادی می‌کنم؛ شما می‌کردی ولی او نمی‌کرد. تا کی کشور باید اینجوری پیش برود؟ شما باید دیپلماسی مختلط بکنی که در کنار دیپلماسی ابزارهای دیگر هم بتوانی استفاده بکنی که آنها تبدیل به کارت روی میز شما بشود. آقای روحانی و ظریف شما به کارت احتیاج داری برای اینکه بده‌بستان بکنی. اینها را باید سپاه و آقای سلیمانی و سازمان فضایی در منطقه ایجاد بکنند؛ باید ایجاد بکنی از طریق ائتلاف کردن با روسیه و چین و حزب‌الله و سوریه تا طرف مقابل احساس کند شما یک چیزی داری که می‌توانی بگذاری روی میز و بعد با آن مذاکره کنی. به خاطر اینکه شما سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ را خوانده باشید، می‌دانید که قدرت‌های بزرگ و شما که یک کشور منطقه‌ای هستی حاضر به بازی برد-برد نیستند، پس من با آمریکا مذاکره می‌کردم اما نه با یک خوشبینی فانتزی که احساس بکنم می‌شود با ۱+۵ قدرت جهانی، بازی برد-برد کرد. تاریخ روابط بین‌الملل به شما این را نشان می‌دهد. قبل از جنگ جهانی اول ایتالیا یکی از اضلاع اتحاد مثلث بود. انگلستان بهش گفت بیا خیانت کن و من به تو یک سری سرزمین می‌دهم. ایتالیا خیانت کرد و اتحاد مثلث را رها کرد اما انگلستان آن تعهدات را رعایت نکرد. به همین خاطر در جنگ جهانی دوم رفت سمت آلمان. قدرت‌های جهان با شما بازی برد-برد نمی‌کنند و این خوشبینی فانتزی بود که فکر می‌کردید اگر در برجام همه تعهدات را انجام بدهم، تحریم‌ها بالمره لغو می‌شود. تحریم‌ها بالمره قرار نبود لغو شود. پس من به عنوان وزیر خارجه سعی می‌کردم اسیر این خوشبینی فانتزی نشوم. من مذاکره می‌کردم اما با درکی که از تحولات جدید اقتصاد جهانی داشتم؛ می‌دانستم که دیگر دولت آمریکا مثل گذشته فعال مایشا نیست، بلکه راه‌های زیادی وجود دارد برای زمان خریدن و بازی کردن. اقتصاد جهانی خلل و فرج زیادی پیدا کرده که می‌شود از آن استفاده کرد. از بریکس و شانگهای می‌توان استفاده کرد. از متنوع کردن میز سیاست خارجی؛ اینکه شما با آفریقا و همسایگان و دیگران کار کنی می‌شود استفاده کرد. اگر ما به محیط همسایگی اینقدر بی‌اعتنا نبودیم اینقدر راحت تحریم نمی‌شدیم که همین همسایه غربی که امنیت ملی‌اش وامدار ماست؛ و اگر ما نبودیم با ۳ تا عراق سر و کار داشتیم اینقدر راحت ما را تحریم و در مقابل تحریم‌های آمریکا تمکین می‌کند و می‌گوید من چاره‌ای ندارم. چون عراق به شما وصل نیست و در سال‌های اخیر نتوانستی عراق را وصل به خودت کنی. چون ما به محیط همسایگی بی‌اعتنا بودیم و شریک اول تجاری ما در زمان خاتمی آلمان بود در حالی که باید همسایگان‌مان می‌بودند. سعی می‌کنم با درک درستی که از شرایط جدید اقتصاد جهانی دارم میز سیاست خارجی‌ام را متنوع کنم که اینقدر راحت تحریم نشوم و از این خلل و فرج موجود استفاده هنرمندانه می‌کردم برای اینکه بتوانم در مقابل حریف مقابل که حریف بسیار قدری است در حد خودم به عنوان کنشگر منطقه‌ای امتیاز بگیرم.

ساسان کریمی درمورد بریکس نه ولی درمورد شانگهای چون مطرح شد این را من بگویم. این اسناد حقوقی است و تاریخ دارد و نمی‌شود تاریخش را ندیده گرفت. مذاکرات شانگهای از دوره احمدی‌نژاد شروع شد. بعد از قطعنامه ۲۲۳۱ پس از برجام برای پیوستن ما به برجام مشکلی به وجود آمد که جای گفتنش نیست. در زمستان ۹۹ آن مشکل حل شد و در اردیبهشت ۱۴۰۰ ایران رسما نامه عضویت شانگهای را دریافت کرد. درمورد بریکس این طور نیست و کار دولت سیزدهم است. نکته بعدی اینکه چون گفته شد سفرهای منطقه‌ای بسیار کم بوده که الان هم اشاره شد، من آوردم که ۵۴ درصد سفرهای منطقه‌ای وزیر خارجه دولت پیشین به آسیا بوده. ترکیه با ۳۳ سفر در صدر بوده و سفرهای دوجانبه هم مجموعا ۱۲۶ سفر بوده است. ولی کل سفرهای وزیر خارجه که فرمودند بیشتر با غرب بوده، ۵۴ درصدش در آسیا بوده است.

علیرضا کوهکن آیا مذاکره بکنیم یا نکنیم؟ به نظرم بدیهی است. من راجع به آن صحبت دارم. وقتی من سیاست خارجی را تخصصی و حرفه‌ای ببینم، مذاکره بکنیم یا نکنیم، سوال نیست. مثل اینکه از یک نظامی بپرسید آیا از تفنگ استفاده می‌کنی یا نه. تفنگ یک ابزار است. بستگی به این دارد که شما با آن می‌خواهید به چه برسید. آیا برجام اولین توافق ما با آمریکا بود؟ قطعا این طور نبود. ما از ۴۴ سال پیش در موارد متعددی با آمریکا مستقیم و غیرمستقیم، آشکار و پنهان مذاکره کردیم و به توافق رسیدیم.

ساسان کریمی بسیاری‌اش را همین گروه انجام دادند.

علیرضا کوهکن بسیاری‌اش را همین‌ها انجام دادند و بسیاری‌اش هم همین‌ها توافق کردند و شکست خورده. اینها همه‌اش می‌روند از دشمن فرضی شکست می‌خورند و برمی‌گردند. من یادم هست درس روابط ایران و آمریکا، فقط درباره لیست توافقات صحبت می‌کردم. یکی از دانشجویان گفت «حالا می‌فهمم چرا رهبری می‌گفت اشکال ندارد مذاکره کنید ولی من زیاد امیدوار نیستم برای اینکه این تصویر جلوی رویش بود.» آیا کسی تصور نمی‌کرد که ترامپ می‌آید و از برجام خارج می‌شود؟ اصلا غافلگیر نشدند. در همان موقع بهشان گفتند این ترامپ دارد می‌آید و این نظر یک نفر هم نبود. در کنوانسیون حزبی اینها را می‌گفتند و مصوب هم شد و بعد هم انجام شد. دوستان اصلا نمی‌شنیدند. به طوری محو شده بودند. من با این موافق نیستم که اقتصاد مقاومتی به کجا می‌رسد یا نمی‌رسد. چون اقتصاد مقاومتی یک ترم است. من جدا از این اصطلاح فکر می‌کنم خیلی از مشکلات ما داخلی است و در حوزه چیزهایی که می‌خواهیم به آن برسیم و اینکه از سیاست خارجی بخواهیم آن را حل کند، به آن نمی‌رسیم. یکی از دلایلی که بعد از برجام بعضی چیزها تعلق پیدا نکرد به برجام ربطی نداشت و مشکل داخلی بود. بخشی از اینکه هیات خارجی به نتیجه نمی‌رسید به این دلیل بود که می‌آمد کالا بفروشد و برود ولی بخشی دیگر این بود که سر چیزهایی که به توافق می‌رسیدند بروکراسی مریض داخلی اینقدر طولش می‌داد که ترامپ از برجام خارج شد و اینها هنوز متن توافق را آماده نکرده بودند.

درمورد شانگهای این را بگویم. من می‌دانم که اردیبهشت چی گفتند. یکی از کشورهایی که مخالف بود گفت که من به خاطر امتیازی که شما در آن سازمان منطقه‌ای دادید مخالفتی ندارم اما کار دیپلماتیک این طوری است که تا لحظه آخر توافق اتفاق نمی‌افتد. اینکه غربی‌ها می‌گویند توافق یا همه یا هیچ، درمورد مذاکرات مهم است. شما می‌توانید یک سفر رسمی دیپلماتیک در عالی‌ترین سطح بروید که همه جزئیاتش چک می‌شود، سفر انجام شده، در اصل سفر به مشکل بخورید. یعنی در فرودگاه با این سوال مواجه شوید که اگر دقیقه آخر بگوید امضا نمی‌کنم، بگوییم برمی‌گردیم. کما اینکه در برجام هم داشتیم. یک دفعه به توافق رسیدند ولی زمان امضا آقای اوباما گفتند من صلاح نمی‌دانم، آقای کری برگرد. بنابراین اینکه اردیبهشت چه گفتند اینقدر موضوعیت ندارد که در جلسه نهایی آیا موافقت کردند یا نه.

اما راجع به مذاکره. مذاکره ابزار است برای تامین منافع ملی. زمانی در مرکز پژوهش‌های مجلس وقتی دوستان شکست خوردند و برگشتند با این سوال مواجه شدیم که باید چه کار کرد. همان موقع صحبت بود که بایدن برمی‌گردد. من گفتم ما دسترسی به اطلاعات نداریم ولی علم بین‌الملل می‌گوید بایدن امکان ندارد این کار را بکند. ما با دوستان رفیق هستیم و گفتم من واقعا از ته دل با ناراحتی می‌گوییم که پیش‌بینی من تحقق پیدا کرد چون هزینه‌اش را منافع ملی کشور داد. آمدیم برای همین فکر کردیم که مذاکره کردن و توافق اصلش که خیلی باکلاس است اما منفعتی که از آن تامین می‌شود مهم است. این منفعت خیلی جاها رویش فکر نشده بود؛ به همین دلیل خطوط آماده شد و درنهایت قانون اقدام راهبردی با این منطق شد که شما می‌خواهی مذاکره کنی یک چیز داشته باشی که روی میز بگذاری. ما به این فکر کردیم که وقتی می‌خواهد توافق شود، ما می‌گوییم رفع تحریم. اصلا رفع تحریم یعنی چی؟ از تیم توافق پرسیدیم که از نظر شما یعنی چی؟ همین درک حقوقی بود. گفتیم اینکه به درد ما نمی‌خورد. رفع تحریم یعنی چه؟ باورتان می‌شود دوستان یک چیز آماده برایش نداشتند؟ گفتیم اگر الان آمریکا اعلام کند من فلان قطعنامه و دستورهای اجرایی را این طور می‌کنم، شما منظورتان این است؟ گفتند آری. گفتیم خب در برجام هم همین بود که اتفاقی نیفتاد. در برجام هم شما اسما تحریم نبودید ولی هیچ بانک بزرگی با شما کاری که می‌خواستند را انجام نداد که رئیس بانک مرکزی وقت گفت برجام برای ما دستاورد نداشت. قانونا درست بود، اوباما اجرا می‌کرد ولی نتیجه نمی‌داد و برای همین یک گزارش آماده شد که رفع تحریم یعنی چه. به مذاکره‌کنندگان هم این را دادیم. ما مجبور شدیم نسخه انگلیسی‌اش را اول منتشر کنیم. شما که گوش نمی‌کنید لااقل به طرف آمریکایی می‌گوییم که از رفع تحریم، منظور ما اینهاست. حالا چه بود؟ یعنی ما اینقدر نفت بفروشیم. ما تحریم نیستیم یعنی اینقدر نفت بفروشیم. بانک الف و ب و ج با ما اینقدر تراکنش مالی بدون مجوز اوفک داشته باشد. اینها یک بحث‌های تخصصی دارد. یعنی بحث تخصصی تحریم دارد. ما گفتیم تحریم نباشیم یعنی شرکت بیمه الف و ب و ج این کارها را بکند بدون اینکه بیاییم از شما اجازه بگیریم.

اینکه من ابتدا تاکید کردم سیاست خارجی یعنی علم و تخصص منظورمان این است. بعد دوستان رفتند و پیش‌بینی‌هایشان به نتیجه نرسید برای بازگشت به برجام. دولت بعد هم همین دستور کار را داشت. حالا اینکه چقدر انجام داد را می‌شود صحبت کرد اما ایده همین بود که شما دارید مذاکره می‌کنید جدا از اینکه

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۱۴

آمریکا باید چه چیزهایی را لغو کند و اعلام بکند، ما می‌گوییم تضمین، منظورمان این است که در عمل این اتفاق روی زمین بیفتد. من نمی‌خواهم کاغذ دستم بگیرم و با آن عکس بگیرم که موفق شدم این کار را بکنم. اگر این طور بود همان روز اول می‌توانست امضا کند و بگوید من بلدم توافق کنم. توافق هدف نیست و ابزار تامین منفعت است. گفتیم اگر می‌خواهید برسید باید این اتفاقات بیفتد. دانه به دانه. ما می‌گوییم راستی‌آزمایی بکنیم، به این معنی نیست که ببینیم شما دستور اجرایی را لغو بکنید. راستی‌آزمایی یعنی ما بتوانیم نفت‌مان را بفروشیم و پولش را جابه‌جا کرده باشیم و کالا را خریده باشیم. اتفاقاتی در مذاکرات بازگشت به برجام اتفاق افتاد که بعدا راجع به آن صحبت می‌کنیم.

محمود شوری وقتی گفتم نگاه کنیم به برجام به عنوان یک تجربه بیاییم آسیب‌شناسی بکنیم. اگر فقط بخواهیم دائما نیمه خالی لیوان را ببینیم، هیچ وقت به نتیجه نمی‌رسیم.

ساسان کریمی اینکه می‌گویند رفع تحریم یعنی چه، خب ما که در دوران اجرا شدن برجام، نفت‌مان را سریع فروختیم به ۲٫۵ میلیون بشکه رسید و پولش را جابه‌جا کردیم و خریدهایمان را توانستیم بکنیم. عبارت «تقریبا هیچ» رئیس کل بانک مرکزی برای دو هفته بعد از اجرایی شدن برجام است که آقای سیف در آمریکا برای تحت فشار گذاشتن آمریکایی‌ها گفت.

محمود شوری آقای ظریف در این مدت سخنرانی کرده و اینها را گفته است. بحث اساسی وجود دارد که وقتی دائما بخواهید برگردید به گذشته هیچ گام روبه‌جلویی برنمی‌دارید.

ابوالفضل بازرگان چون گذشته برایتان تلخ است. من یک سوال می‌خواهم بپرسم و امیدوارم ادامه بحث را روی این بحث ببریم. یک یا دو ماه آینده تکلیف دولت خودمان و وزارت خارجه خودمان مشخص می‌شود و به زودی انتخابات آمریکا را داریم. احتمال خیلی زیاد ترامپ برمی‌گردد و احتمال خیلی زیاد همان پمپئویی که تهدید به جنگ می‌کرد و با رجوی دیدار می‌کرد، یا وزیر خارجه می‌شود یا احتمالا وزارت دفاع را می‌گیرد. ما می‌خواهیم با این آمریکا که از برجام خارج شده و ۱۲ شرط برای ما گذاشته است، چه کنیم؟ شرط‌هایش چیست؟ آیا می‌گوید که ایران بیا آمریکا را به رسمیت بشناس و سفارت برن و اسرائیل را به رسمیت بشناس و حقوق بشر و اصلاحات اقتصادی داشته باش؟ چه می‌گوید؟ می‌گوید هسته‌ای نداشته باش؛ موشکی را جمع کن؛ از منطقه خارج شو؛ پهپاد نداشته باش؛ از گروه‌های مقاومت حمایت نکن. تمام ابزارهای قدرت ما را مستقیم هدف قرار گرفته است. اینکه می‌گویم برجام یک کنترل تسلیحات بود همین است. نه می‌شود با ابزار حقوقی و نه اقتصادی مقابله کرد. وقتی از شما شروطی می‌خواهد که ابزار قدرتت را از تو بگیرد ولی همزمان جنگ غزه وجود دارد و احتمال حمله اسرائیل به لبنان وجود دارد، ما باید راهکار منطقی بدهیم دیگر. منطقه انبار مهمات است. زیردریایی هسته‌ای در خلیج‌فارس و بمب‌افکن در منطقه است. دور تا دور منطقه پایگاه‌های آمریکاست. گزینه نظامی روی میز است. در این وضعیت می‌خواهیم توافق هم بکنیم. ما لازم به تنش‌زدایی داریم. نیاز به توافق و گفت‌وگو داریم. با چه منطقی و در چه شرایط و حالتی؟ رئیس جمهور و زیر خارجه آینده شرایط به شدت سختی را پیش رو دارد. با آمریکایی طرف است که در اوج تندروی است. اسرائیل اوج تندرویی دارد و برای بقا دارد می‌جنگد. متحدان منطقه‌ای ما تحت فشارند و ابزار امنیتی ما تحت فشار است. تا روزی که موازنه قوا در منطقه برقرار نشود و برتری نظامی اسرائیل در منطقه حذف نشود، نمی‌شود به ما بگویند هسته‌ای و موشکی و پهپاد نداشته باش ولی اسرائیل بمب اتم و اف ۳۵ داشته باشد. نمی‌شود من بمب هسته‌ای نداشته باشم ولی ناو هواپیمابر آمریکا در خلیج فارس من باشد. می‌خواهی من هسته‌ای نداشته باشم ناوت را باید ببری بیرون. منظور اینکه شش ماه آینده یا یک سال دیگر می‌خواهیم چه کار کنیم؟ ما هم دوره روحانی و هم مذاکره با مقاومت اقتصادی، دور زدن تحریم‌ها و خنثی‌سازی تحریم‌ها را تجربه کردیم. دوران بسیار پرچالشی را پیش رو داریم. آیا دوباره می‌توانیم ریسک کنیم و خوش‌بین باشیم یا نه؟

محمود شوری حلاجی گذشته زیاد صورت می‌گیرد ولی دریغ از یک کلمه از یک کارشناس مخالف که بگوید حالا چه کار باید کرد؟ کسی مسیری را رفته و الان همه می‌توانند سنگ‌پرانی کنند و بگویند که خوردی زمین. راحت است. ولی یک کلمه تا حالا یک کارشناس مخالف برجام گفته باشد مسیر این است که ما برویم جلو؟ یا تجربه گذشته قبل از برجام را داریم که هفت سال مذاکره کردند و آبی از آب تکان نخورد. سه سال است دارند مذاکره می‌کنند هیچ آبی از آب تکان نخورده که هیچ، قطعنامه آژانس هم گرفتیم. بیانیه با روسیه و چین امضا شده که در تمامش التماس احیای برجام است. حالا آقای سعیدی می‌گویند که بازی برد-برد با قدرت‌های بزرگ امکان‌پذیر نیست. این بیانیه پنج روز پیش است...

ابوالفضل بازرگان این به خاطر دسته گل اسنپ بک است.

محمود شوری سه سال است. الان می‌توانستند هر کاری با این مساله بکنند و پاره‌اش کنند و بریزند دور و برگردیم به روز اول.

علیرضا کوهکن هزینه‌ای که دادیم چه؟

محمود شوری بله هزینه دادیم و برگشتیم به عقب. بالاخره یک جا باید جلوی ضرر را گرفت. نمی‌شود که هر روز با این مساله بازی کنید و بعد بنویسید بازی برد-برد. پوتین و شی برای شما بنویسند که شما بدون برجام هیچ مسیر دیگری ندارید. این قدرت‌ها دوستان ما هستند. دائما به ما می‌گویند اگر برجام نبود ما با شما کار نمی‌کردیم. اس ۳۰۰ را چه زمانی به ما دادند؟ هشت سال پیش پولش را گرفتند ولی ندادند. شبی که برجام امضا شد گفتند اس ۳۰۰ برای شما. آقای دکتر به شانگهای خیلی افتخار می‌کند. فکر می‌کند دستاورد خیلی بزرگ است. بله منم موافقم. من با شانگهای زندگی کردم. از بچگی زمانی که هنوز شکل نگرفته بود روی این موضوع کار می‌کردم. در همین شانگهای بند گذاشتند فقط مخصوص ایران که کشورهایی که ذیل تحریم‌های بین‌المللی هستند نمی‌توانند عضو شانگهای شوند. این محدودیت چطور حذف شد؟ با برجام.

علیرضا کوهکن با هزینه برجام. آقای ظریف گفتند هزار میلیارد دلار هزینه داشت.

محمود شوری شما که اینقدر اسمش را هزینه می‌گذارید لااقل یک جا بگویید که چه کار دیگری می‌توانید بکنید. دکتر سعیدی گفتند که ما فرصت از دست دادیم و در طول مذاکرات به کارت نیاز داریم و وقت تلف کردیم. آقای دکتر شما می‌دانید که هسته‌ای از کجا شروع شد؟ سال ۱۳۸۳ ما چند تا سانتریفیوژ داشتیم و سال ۹۴ که توافق شد چند تا سانتریفیوژ داشتیم؟ این تعداد از کجا ساخته شد؟ اصلا تجربه هسته‌ای ما در همین دوره بود. ما با ۱۰ و ۱۲ تا سانتریفیوژ شروع کردیم. فرآیند غنی‌سازی ما تازه داشت شکل می‌گرفت. در همین ۱۵-۱۰ سال این اتفاق افتاد. موشک‌های ما کی ساخته شد؟ بله اینکه شما روی موشک یک چیزی بنویسید با اینکه موشک بسازید، فرق می‌کند.

روح‌الامین سعیدی زمان احمدی‌نژاد سانتریفیوژ ساخته شد یا خاتمی؟ خاتمی زمانی که تحویل داد همه چیز تعطیل بود. گفتند بکنید و بندازید دور.

محمود شوری شروع شد. خود خاتمی آن محدودیت‌ها را ملغی کرد.

روح‌الامین سعیدی فشار رهبری بود. گفتند در همان دولتی که این اتفاق افتاده باید فعالیت‌ها از سر گرفته شود.

محمود شوری من مدافع هیچ‌کدام نیستم. دارم از یک تجربه تاریخی صحبت می‌کنم. شما اینجوری نگاه نکنید که همه موشک‌ها در یک دوره ساخته شده است. اینقدر سطح مساله را پایین نیاوریم. درباره عراق هم بگویم. اینکه می‌گویید عراق را به خودمان وصل می‌کردیم، کدام عراق را؟ عراقی که نخست‌وزیری در آن با مشورت ما عوض می‌شد یا عراقی که در دوره‌ای مخروبه کامل بوده است.

ابوالفضل بازرگان راهکار شما چیست؟ شش ماه دیگر ترامپ می‌آید و پمپئو وزیر خارجه است. شما راهکار بدهید برای برجام.

محمود شوری اگر گذاشته بودند و اگر آن مصوبه مجلس نبود، کار به اینجا نمی‌رسید.

ابوالفضل بازرگان الان دوباره ترامپ دارد می‌آید.

محمود شوری اینکه نمی‌شود. شما همه چیز را خراب کردید. نمی‌شود که.

روح‌الامین سعیدی فکر می‌کنم کمی باید برویم بالاتر. دیپلماسی ابزار است و باید سراغ استراتژی برویم. جمهوری اسلامی باید مشخص بکند که استراتژی‌اش چیست. آقای والت یک مقاله بی‌نظیری دارند تحت عنوان «اتحادها در یک جهان تک‌قطبی» مقاله بی‌نظیری است که استراتژی‌های مختلف مقابله با تک قطب و ابرقدرت را در جهان تک قطبی مشخص کرده و برایش نمونه آورده است. چیزی که به درد جمهوری اسلامی می‌خورد یکی «دنباله‌روی» و یکی هم «موازنه قوای سخت و نرم» است. دنباله‌روی یعنی اینکه شما برای اینکه از تهدیدات تک قطب در امان باشی عملا با او سازش کن. خود والت هم نمونه‌ای که برای این موضوع آورده، قذافی بود که بالاخره تسلیم شد و سیاست ضدغربی را کنار گذاشت و فناوری هسته‌ای را بار کشتی کرد و تحویل آمریکا کرد. این عین حرف اوست. اینکه قطعا برای جمهوری اسلامی قابل قبول نیست. بله برخی از جریان‌ها در کشور هستند که برخی رویشان نمی‌شود و برخی هم اینقدر این حریت را دارند که می‌گویند سازش کنید و تمامش کنید، حتی برخی از اساتید در مذاکرات ترک ۲ هم خیلی فعال بودند و وقتی ۱۲ شرط پمپئو آمد خودشان این حریت را داشتند که این یعنی تسلیم و نمی‌شود از جمهوری اسلامی توقع داشت این را بپذیرد. پس این عملا کنار می‌رود. کاری که شما مجبورید بکنید موازنه قواست. این هم موازنه قوای سخت دارد و هم نرم. جمهوری اسلامی در این برهه جدید به نظر من باید روی هر دو کار بکند. موازنه سخت هم داخلی دارد و هم خارجی. موازنه قوای داخلی شما باید قدرتت را زیاد بکنی و مشکلات داخلی‌ات را حل و آسیب‌پذیری‌ات را کم کنی و انواع و اقسام کارهایی که می‌شود کرد تا قدرتت بالاتر برود تا امکان چانه‌زنی‌ات بیشتر شود. خارجی‌اش هم این است که با آن کسی که می‌توانید در مقابل آمریکا ائتلاف کنید. اگر تا جایی با روسیه می‌شود، این کار را بکنیم. من با آقای شوری موافقم که روس‌ها صد در صد با ما ائتلاف نمی‌کنند. اما اگر در سوریه و اوکراین می‌شود با روسیه کار کرد، بکنیم. اگر با چین می‌شود، ائتلاف بکنیم تا به هر حال یک موازنه قوی خارجی در مقابل تک قطب شکل بگیرد. غیر از این هم راه موازنه نرم است، یعنی باید از طرق غیرسخت‌افزاری مثل دیپلماتیک و سیاسی استفاده کنی؛ از ابزار بریکس و شانگهای استفاده کنی تا در مجامع مختلف، بازی آمریکا را خراب و در مجمع عمومی و شورای امنیت تضعیفش بکنی. به مجموعه اینها می‌گویند موازنه قوای نرم، یعنی تقابل نظامی نکنی. استفاده از سخت‌افزار نداشته باشی اما کارهایی بکنی که بازی را خراب کنی. این راه ماست یعنی طیف مختلفی از موازنه قوا را انجام بدهیم به خاطر اینکه دنباله‌روی با منطق و ماهیت جمهوری اسلامی سازگاری ندارد.

علیرضا کوهکن تجربه لیبی هم البته نشان داد. قذافی مرد و از لیبی هیچ باقی نماند.

ساسان کریمی من ۹ تا نباید برای دولت بعد نه، برای مخالفان دولت بعد و ۹ تا باید برای دولت بعد می‌گویم. مخالف دولت بعد خلاف نگوید و چوب لای چرخ دولت نگذارد. یادمان هست که گفتند توافق مخفی وجود دارد که شما امضا کردید. گفتند ۲۰ دقیقه‌ای برجام را تصویب کردید که این دروغ بود. شرح مذاکرات کمیسیون برجام روزها و هفته‌ها با حضور تیم قبلی و تیم فعلی به ریاست شهردار کنونی تهران انجام شد. به دروغ نگوییم بتن ریختیم توی قلب رآکتور اراک. نگوییم تحقیق و توسعه هسته‌ای را تعطیل کردید. نگوییم که صنعت هسته‌ای را تعطیل کردید. نگوییم که اگر بخواهیم صنعت هسته‌ای را به سطح قبلی برگردانیم، حداقل ۲ سال طول می‌کشد ولی در واقع کمتر از یک هفته طول کشید و به سطح بالاتری از غنی‌سازی رسیدیم. نگوییم که در توافق پنهان اجازه دسترسی به سایت‌های نظامی دادید. اینها را نباید بگوییم. به خاطر منافع ملی اگر مجلس و رسانه و سوشال مدیا دست‌مان است، بهتر است که طرف داخلی را جلوی طرف مذاکراتی خودش تضعیف نکنیم.

۹ باید دولت و وزارت خارجه بعدی این است که از ابتدا سناریو طراحی بکند. آن هم نه یک سناریوی ایده‌آل که ما باید اینها را بگیریم. این بایدها را رها کنید. چون ممکن است آن را نتوانید بگیرید. سناریوی بعدی و بعدی برای ترامپ و بایدن یا هر کسی که از حزب اوست. برای هر کدام از اینها باید چند سناریو داشته باشید؛ تا انتخابات آمریکا. یک عمل دیگر، آغاز مذاکراتی است که شامل یک پکیج باشد. ما مذاکرات جامع نمی‌توانیم بکنیم چون مجوزش را نداریم. ولی همین دولت و دولت احمدی‌نژاد در مقاطعی بیش از هسته‌ای اختیار مذاکره داشت. تیم مذاکره‌کننده بعدی هر کس بود باید این اختیار را بگیرد که مذاکرات نیمه‌فراگیر و چندمحوری داشته باشد که بتواند مذاکره را استارت بزند چون شش ماه بعد ممکن است ما در شرایط دیگری باشیم و نتوانیم به نتیجه برسیم. می‌تواند یک ایده باشد که مذاکرات را آغاز کند و با دولت بعدی ببندد که ثبات داشته باشد ولی آن هم خطرات خودش را دارد.

مهم این است که وقتی کسی انتخاب می‌شود تا به کاخ سفید برود، دو ماه بسیار تعیین‌کننده دارد؛ از آبان تا دی ماه. ما نباید از آن غافل باشیم. هیات‌ها از کشورهای عربی، از ژاپن و از جاهای دیگر می‌روند و در واشنگتن و نیویورک هتل می‌گیرند و شروع می‌کنند به لابی کردن تا تصویری برساخته برای رئیس جمهور بعد ایجاد کنند. این یک کنشگری مهم لازم دارد که بتوانند از آن دو ماه استفاده کنند چون وقتی طرف وارد کاخ سفید می‌شود، خیلی کار سخت‌تر می‌شود، به خاطر اینکه رقبا کنشگری‌شان را در آن دو ماه تمام کردند. اگر امروز می‌تواند امتیاز بگیرد و یک موضوعی را ببندد، توافق را به فردا نیندازد چون فردا ممکن است این اتفاق نیفتد. به نظرم دولت منتظر تضمین نباشد؛ در روابط بین‌الملل تضمین نداریم. منتظر زمستان سخت و سرد نباشد. زمستان سخت و سرد تنها برای طرف مقابل نیست؛ و اگر این خطا در بیاید که آمد، خسارتش کم نیست.

فکر نکند رجزخوانی تنها و همه بازی است. این فقط بخشی از بازی سیاست و سیاست خارجی است و به جز آن نیازمند توانمندی‌های بیشتری در مذاکره است. مذاکره فرسایشی نکند. همه می‌گویند مذاکره خوب است، معطوف به نتیجه باشد، نه اینکه مذاکره بدون پایان باشد. این دستور صریح رهبری هم هست که در مقاطعی اطاعت هم نشده که باید بدانیم می‌خواهیم به چه برسیم. نتیجه متوسط بهتر از مذاکرات فرسایشی است که ما را با خورندگی مواجه می‌کند. در زمین ریچارد نفیو و دیگران هم بازی نکنیم و بدانند که در زمینه هسته‌ای اتفاقا برخلاف بسیاری از موضوعات دیگر مثل حقوق بشر و... سیاست خارجی چین و روسیه که دارنده سلاح هسته‌ای هستند و عضو دائم شورای امنیت، هنجارهای بسیار بسیار زیادی با غرب دارد. یعنی سیاست هسته‌ای این دو کشور درمورد اینکه نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنیم، با آمریکا فرقی ندارد. فردای هیچ توافقی ما نمی‌توانیم شرکت‌ها و بانک‌های غربی را مجبور کنیم اینجا کار کنند. هیچ دولتی نمی‌تواند چنین تضمینی به شما بدهد. شما باید بگذارید کتری سرد شود، زمان بگذرد و توافق کار بکند تا طرفی که دنبال پول است و احساس می‌کند منافعش از ریسک بیشتر است، وارد کار شود.

علیرضا کوهکن به احتمال زیاد آقای ترامپ می‌آید. ما از آمدن و نیامدنش خوشحال نمی‌شویم. نه بایدن برای ما مزیت است نه نیست. آنچه برای ما مهم است، منافع است. اما به احتمال زیاد ترامپ یا غیرترامپ کسی در کاخ سفید مستقر خواهد شد که تمایلی به مذاکره با ما ندارد. همین پمپئو می‌گفت می‌خواهیم کاری کنیم ایران شروط ما را بپذیرد و روی زانو به سمت ما حرکت کند. معنی‌اش این است که تسلیم شوند یا اگر نشدند، در خیابان‌های تهران از گرسنگی بمیرند. اگر کسی دیگر غیر از وزیر خارجه آمریکا این را گفته بود، به اتهام جنایت علیه بشریت می‌شد در دیوان بین‌المللی کیفری از او شکایت کرد و تحت تعقیب بین‌المللی قرارش داد اما چون آمریکایی هستند، کسی زورش به آنها نمی‌رسد. در مقابل چنین تفکری باید سیاست قاطعی داشته باشی و بگویی من به هر قیمتی از منافع خودم دفاع می‌کنم و تلاش می‌کنم منافع مردمم را حفظ کنم. در ضمن نه به دنبال جنگم و نه چیز دیگر. به نظر من مصداق خیلی خوبش، عملیات وعده صادق با نظر مقام معظم رهبری بود. یعنی ایران نشان داد به هر قیمتی از منافع مردمش دفاع می‌کند و برایش مهم نیست چه اتفاقی می‌افتد. من چون انجام شده و [به برخی اطلاعات] دسترسی داشتم می‌گویم. نظرسنجی‌های دقیقی که انجام شده می‌گفت که مردم کاملا ابراز رضایت کردند. یعنی گفتند با هر هزینه‌ای، انتظار داریم جواب دهید حتی اگر هزینه داشته باشد. چرا؟ چون مردم عادی هم می‌فهمند اگر منافع خودت را حفظ نکنی و بازدارندگی ایجاد نکنی، به جای دمشق، تهران را می‌زنند. غزه دارد نشان می‌دهد طرف مقابل، رحمی نمی‌کند. وقتی در ۲ میلیون ۲۰۰ هزار نفر را کشته و زخمی کرده، در ۸۰ میلیون این عددش می‌شود بالای چند میلیون نفر. بنابراین باید با قدرت رفتار کنی و به دنیا نشان بدهی که من دنبال جنگ نیستم. همه دنیا پذیرفت که ما دنبال جنگ نیستیم. ما باید دنبال چنین چیزی باشیم و با این نگاه سیاست خارجی را ببینیم. مذاکره برای مذاکره نباید انجام شود. ما یک لیست کارشناسی تهیه کردیم که اگر می‌خواهد اتفاقی بیفتد، کاری به متن شما نداریم ولی خروجی هم داشته باشد و ببینیم که تعامل بانکی انجام می‌شود و لازم نیست برای هر معامله از اوفک مجوز بگیریم.

می‌گویند شما با آمریکایی‌ها قرارداد نبستید. ما با آمریکا دو مدل قرارداد می‌توانستیم ببندیم. یکی نفت بود. رفتیم گفتیم ببندیم، گفتند تحریم اولیه است و به برجام ربط ندارد و نمی‌شود. یکی هم خرید هواپیما بود. ما یکی از بزرگ‌ترین سفارش‌های بوئینگ را دادیم. پولش هم تامین می‌شد. وزارت خزانه‌داری آمریکا بعد از اینکه ترامپ از برجام خارج شد، گفت الان نوبتش شده ما بررسی کنیم و مجوز بدهیم. یعنی عمدا بررسی نکردند. حدود ۱۰۰ میلیارد دلار می‌توانست با حواشی‌اش برای آمریکا پول داشته باشد. مساله این است که آن طرف حاضر به کار کردن با ما نیست. ما باید به دنیا نشان دهیم سر منافع خودمان تعارفی با کسی نداریم. با ترامپ هم همین منطق جواب می‌دهد.

اگر شما وزیر خارجه شوید، اولین اقدام‌تان چه خواهد بود؟

محمود شوری مذاکرات و تداوم مذاکرات را باید جدی گرفت. پاسخ صریحی نمی‌شود به این داد. به نظر می‌رسد که هیچ کسی نمی‌تواند پاسخ صریحی بدهد. ما می‌توانیم به مجموعه‌ای از اقدامات فکر کنیم. نوع تعاملی که با قدرت‌های بزرگی که با ما همراهی بیشتری دارند مثل چین و روسیه حتما باید صورت بگیرد، برای اینکه وزنه خودمان را افزایش دهیم. من موافقم با دکتر سعیدی که این موازنه به شکل نرم باید صورت بگیرد ولی آنها هم محدودیت‌های خودشان را دارند. الان ما نمی‌توانیم به عنوان متحد روسیه خودمان را معرفی کنیم ولی حتما کار با روسیه، هند و چین باید خیلی جدی گرفته شود.

روح‌الامین سعیدی من می‌رفتم سراغ سفرا. ما مشکل جدی در مورد سفیران داریم. سفرای ما خیلی تامین‌کننده و پیش‌برنده منافع‌مان نیستند. در انتخاب سفرا ما جدی عمل نمی‌کنیم. حتی در کشورهایی مثل روسیه و چین سفارتخانه‌های ما قوی نیستند، خصوصا از نظر دیپلماسی اقتصادی. ساختار وزارت خارجه هم متصلب است. من از آقای ظریف شنیدم که می‌گفت من ۸ سال وزیر خارجه بودم ولی خیلی جاهای وزارتخانه را نتوانستم کاری بکنم. چرا باید این طور باشد؟ من سعی می‌کردم یک جراحی در حد توان انجام دهم و به صورت جدی سراغ سفرا می‌رفتم. متاسفانه سفارتخانه‌های ما خیلی تعطیل هستند.

علیرضا کوهکن درخواست دو کار می‌کردم. اولا از بدنه تخصصی وزارت خارجه که قوی است می‌خواستم دو سناریو آماده کنند که ما با چه شرایطی درمورد مسائل بین‌المللی مواجه‌ایم. در هر دو سناریو نقاط قوت و ضعف ما چیست و چه باید بکنیم؟ دوم اینکه از شورای عالی امنیت ملی درخواست جلسه فوری می‌کردم. برای این دو موضوع باید جلسات متعددی با بخش‌های مختلف نظام داشته باشیم تا به توافق برسیم و پلن کلی داشته باشیم که چه کار می‌خواهیم بکنیم. یکی از کارهای خوب که امیرعبداللهیان شروع کرد و باید ادامه داد، جراحی وزارت خارجه در رابطه با نحوه جذب برای نیروهای جدید است. به طور سنتی از دانشکده وزارت خارجه برای وزارت نیرو می‌گرفتند اما الان که دانشکده‌های متعدد روابط بین‌الملل داریم می‌توان نیروهای حرفه‌ای‌تر را جذب کرد.

ساسان کریمی من البته رد می‌کردم ولی به کسی که وزیر خارجه می‌شود توصیه می‌کنم اول با شورای عالی امنیت ملی و نهادهای بالادستی برای گرفتن اختیار مذاکره دو یا چندوجهی رایزنی کند. اولویت قرار دادن مساله اسنپ بک در ۲۰۲۵ هم مهم است. طراحی شش نسخه برای دو سناریو بایدن و ترامپ، هر کدام حداقل سه نسخه یادداشت سیاستی را که واقعی و بدون ترس باشد، در دستور کار قرار می‌دادم؛ مذاکره را در همین ماه‌های مانده تا انتخابات آمریکا تا آبان آغاز می‌کردم و در دو ماه آبان تا دی ماه در ایالات متحده با مجوز شورای عالی امنیت ملی کنشگری می‌کردم.

ابوالفضل بازرگان تمام تلاشم را می‌کنم که عزیزان تصمیم‌گیر و سران کشور را متقاعد کنم که بعد از ۲۰ سال چرخه باطل مذاکره توافق و جنگ با آمریکا به یک آتش‌بس برسیم. پیش‌بینی قطعی می‌کردم که هر چقدر هم تلاش کنیم نهایتا سال آینده اسنپ بک علیه ما برخواهد گشت و اینکه ما موازنه قوا را باید در منطقه برای امنیت ملی و موازنه قوای خودمان و منافع ملی خودمان اعمال کنیم. بالاخره ایران این همه سال هزینه‌اش را داده و تحریمش را تحمل کرده و حق دارد که به ابزار کالای بازدارندگی کامل هسته‌ای برسد و تمام تلاشم را می‌کردم تا به این نقطه برسد.

نوبت دوم
فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
دانشگاه زنجان

دانشگاه زنجان در نظر دارد امور خدمات نگهبانی و انتظامات دانشگاه زنجان برای سال ۱۴۰۳ را از طریق انجام مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. بدینوسیله کلیه متقاضیان شرکت در مناقصه (دارای گواهی تایید صلاحیت در رشته خدمات عمومی از وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی و مجوز نگهبانی و انتظامی از ناجا) می‌توانند از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند. کلیه مراحل برگزاری مناقصه اعم از دریافت اسناد و تحویل اسناد پیشنهادات قیمت و سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار آگهی در سامانه ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ می‌باشد.

الف- شماره مناقصه (مرجع): ۲۰۷
ب- شماره فراخوان درج‌شده در سامانه تدارکات الکترونیک: ۲۰۰۳۰۰۳۷۹۸۰۰۰۰۰۹
ج- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: مناقصه‌گران می‌توانند از ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ تا ساعت ۱۸ عصر مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۳ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه و نسبت به شرکت در مناقصه اقدام نمایند.
د- مهلت زمانی ارائه پیشنهاد قیمت: تا ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۴
ی- زمان و محل بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۷ دفتر معاونت اداری- مالی
ه- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: سپرده شرکت در مناقصه شامل ضمانتنامه بانکی (مدت اعتبار تضمین‌های بانکی باید حداقل ۳ ماه پس از تاریخ افتتاح پیشنهادها باشد) چک تضمین شده بانکی (به نام دانشگاه زنجان) یا واریز وجه نقد به مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سیصد میلیون تومان) به شماره حساب ۴۰۰۱۰۸۶۲۰۷۳۷۹۲۷۲ و به شناسه واریز به شماره ۹۹۸۱۲۶۳۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه سپرده دانشگاه زنجان.
تذکر مهم: مناقصه‌گران موظف هستند پاکت الف که حاوی ضمانتنامه بانکی می‌باشد را طبق شرایط درج شده در فرم شرایط عمومی مناقصه به صورت فیزیکی تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۴ (ساعت ۱۳) به مدیریت حقوقی و قراردادهای دانشگاه تحویل نمایند.
شماره تلفن جهت کسب اطلاعات بیشتر با مدیریت امور حقوقی و قراردادها، ۳۳۰۵۲۸۲۶ - اداره خدمات و پشتیبانی ۳۳۰۵۲۲۳۱
روابط عمومی دانشگاه زنجان
شماره شناسه ۱۷۴۱۷۶۶

آگهی مزایده عمومی یک مرحله‌ای (نوبت دوم)
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی
مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری در نظر دارد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت محل آی‌پی‌دی (IPD) واقع در طبقه هفتم به مساحت تقریبی ۴۰۵ مترمربع را به صورت اجاره از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از متقاضیان شرکت در این مزایده دعوت می‌گردد، جهت دریافت و تحویل اسناد مزایده به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
۱- موضوع مزایده: واگذاری محل آی‌پی‌دی (IPD) واقع در طبقه هفتم ساختمان امام حسن مجتبی (ع) به صورت اجاره به منظور ارائه خدمات تشخیص و درمانی
۲- زمان انتشار در سایت: از ساعت: ۸ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۴/۹
۳- مهلت دریافت اسناد مزایده: تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۴/۱۳
۴- آخرین مهلت بارگذاری پیشنهادها: تا ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۴/۲۴ می‌باشد.
۵- تاریخ بازدید: از تاریخ ۱۴۰۳/۴/۱۰ لغایت ۱۴۰۳/۴/۲۱ از ساعت ۹ صبح الی ۱۳ می‌باشد.
۶- زمان بازگشایی پاکت‌ها: پیشنهادات واصله راس ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۴/۲۷ توسط کمیسیون مناقصات و مزایدات واقع در دفتر مدیریت بیمارستان باز و قرائت خواهد شد.
۷- میزان و نوع تضمین شرکت در مزایده: به دو صورت ضمانتنامه بانکی یا واریز وجه نقد- مبلغ تضمین: ۲،۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (معادل دویست و هفتاد میلیون تومان)
۸- شماره حساب سپرده ۴۰۰۱۰۹۹۹۰۷۱۴۷۳۸۶ و شماره شبای (IR۷۲۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۹۹۹۰۷۱۴۷۳۸۶) نزد بانک مرکزی به نام مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری
۹- شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران ۵۰۰۳۰۰۵۸۶۰۰۰۰۰۰۳ می‌باشد.
۱۰- هزینه انتشار آگهی و مبلغ کارشناسی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

سازمان آگهی‌های روزنامه
فرهیختگان
Advertisement`s Organization
تلفن وفکس: ۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
ایمیل: a۶۶۳۴۸۰۱۸@gmail.com

کانون تبلیغاتی
سپهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری
تبلیغات محیطی
دانشگاه آزاد اسلامی

مدرسه عالی مهارتی
رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school